
بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان دانشگاه شیراز

زهره محمدی*

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

دکتر مرتضی لطیفیان

دانشیار دانشگاه شیراز

چکیده

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که آیا ابعاد فرزند پروری والدین قدرت پیش‌بینی ابعاد هویتی در میان دانشجویان را دارد. به منظور پاسخ به این سؤال از نمونه ۲۴۲ نفری دانشجویان، اعم از (۱۳۴ نفر) دختر (۱۰۸ نفر) پسر استفاده شد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شده بودند، میانگین سنی دختران ۲۵/۸۹ و پسران ۲۱/۲۵ و انحراف معیار سنی آنها به ترتیب برابر با ۱/۹۳ و ۲/۱۷ بود. ابزارهای اندازه‌گیری در این پژوهش عبارت از مقیاس شیوه‌های فرزند پروری شیفر و مقیاس هویت (EIPQ) بودند. پایایی ابزارها به روش آلفای کرونباخ و روایی آنها به شیوه تحلیل عامل سنجیده شد.

به منظور تعیین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد هویتی از طریق ابعاد فرزند پروری والدین از شیوه آماری رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج حاصله نشان داد که بعد گرمی - سردی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معنا داری برای بعد تعهد داشت در حالی که بعد آزادی - کنترل چنین قدرتی نداشت. ابعاد فرزند پروری والدین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معنا داری برای بعد جستجوگری نداشته و نتایج نشان داد که بعد گرمی - سردی به تفکیک جنسیت برای هر دو جنس قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معنا داری برای بعد تعهد داشته است.

کلیدواژه‌ها: ابعاد هویت، ابعاد فرزند پروری، دانشجویان دانشگاه شیراز

* نویسنده مسئول: mohamadi_edu_psy@yahoo.com

مقدمه

سؤال‌های مرتبط با هویت در زندگی بسیاری از مردم حیاتی و مهم است به‌ویژه زمانی که آنها از کودکی به بزرگسالی منتقل می‌شوند. جوان ممکن است مدت‌ها این سؤال‌ها را از خود بپرسد: من چه کسی هستم؟ اندیشه‌ها و اهداف من چیست؟ چه چیزی مرا از سایر مردم متفاوت می‌کند و.... این سؤال‌ها برای رشد هویت در طی دوران نوجوانی، جوانی و حتی در بزرگسالی نقش مهمی را بازی می‌کنند (اریکسون^۱، ۱۹۸۰؛ استفن^۲ و همکاران، ۱۹۹۲). برای رسیدن به معنای یکپارچه‌ای از هویت، نوجوان باید ادراکات جداگانه را، که قسمتی از خود پنداره او هستند در معنای یکپارچه و منسجمی از خود، وحدت بخشد و باید عمیقاً احساس کند که او دیروز، امروز و فردا، در خانه، مدرسه یا محل کار، یک فرد واحد است (بلاسی و گلودیس^۳، ۱۹۹۵).

از جمله عواملی که بر ایجاد یک هویت موفق تأثیر می‌گذارند، روابط والدین با نوجوانان است (واترمن^۴، ۱۹۸۲؛ مارک استروم - آدامز^۵، ۱۹۹۲). جوانانی که در حالت «آشناختگی هویت» هستند بیش‌تر احتمال دارد که والدین «طرد کننده»^۶ یا نادیده‌گیرنده دارند، که ارتباطی صمیمی با آنها ندارند. نوجوانانی که به عنوان «هویت زودهنگام»^۷ دسته‌بندی می‌شوند به نظر می‌رسد که به طور افراطی تابع والدینی هستند که گرچه به آنها محبت دارند، اما شدیداً محافظت کننده و کنترل‌گر هستند. این افراد ممکن است هرگز درباره اقتدار والدین سؤال نکنند یا نیازی به ساختن یک هویت جداگانه احساس نکنند (سیگلمن^۸، ۱۹۹۹). افرادی که در حالت‌های هویت موفق^۹ و تعلیق^{۱۱} قرار دارند، به نظر می‌رسد پایه محکمی از عاطفه همراه با

-
1. Erikson
 2. Stephen
 3. Blasi & Glodis
 4. Waterman
 5. Markstrom, Adams
 6. Identity diffusion
 7. Neglectful
 8. Identity Foreclosure
 9. Sigelman
 10. Identity achievement
 11. Identity moratorium

آزادی زیاد برای ابراز نظریات خود را دارند (کمپل^۱ و همکاران، ۱۹۸۴؛ گروتوانت و کوپر^۲، ۱۹۸۶). این ویژگی به سبک فرزندپروری صمیمی و آزادی‌خواه مشابه است و به نظر می‌رسد به جوانان کمک می‌کند تا مفهوم استواری از عزت نفس را به دست آورند.

رو و زیگلن^۳ (۱۹۶۳) روش‌های ارتباطی والدین و فرزندان را به چهار دسته کلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: ۱- فرزندپروری استبدادی^۴، ۲- فرزندپروری مقتدرانه^۵، ۳- فرزندپروری آسان‌گیر^۶، ۴- فرزندپروری بی‌توجه (دهقانی، ۱۳۷۹). هر شیوه بر اساس دو عنصر اصلی فرزندپروری یعنی پذیرش و پاسخ‌دهی^۷ و توقع^۸، قرار دارد. پذیرش به معنای حمایت صمیمیت والدین و توقع به معنای کنترل رفتاری نیز بیان شده است (بومریند^۹، ۱۹۹۱، به نقل از سیگلن، ۱۹۹۹).

به اعتقاد مارسیا، هویت عبارت است از سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی که در واقع نتیجه یک بحران است (انصاری و اسکویی، ۱۳۸۰). از نظر بارون و برن^{۱۰}، (قاسمی، ۱۳۸۲) از سال‌های نخست زندگی خود، در خصوص این موضوع که چه کسی هستیم، یادگیری‌های ما شروع به شکل گرفتن می‌کنند. از نظر کلپ^{۱۱} (۱۹۶۹) هویت تمام چیزهایی را شامل می‌شود که در طی زمان و به گونه‌ای معتبر درباره فرد اطلاعات می‌دهند مثل نام او، شخصیت او، موقعیت او، زندگی گذشته او و غیره.

فروید، از اولین روانکاوانی بود که درباره تعریف "خود" سؤالات بنیادی و اساسی را طرح کرد. فروید معتقد بود که احساس فرد از خود از درون فکری والدین در طی تشکیل فراخود در پایان تعارض ادیپی ناشی است. به نظر اریکسون بهترین نشان دهنده هویت پیوستاری دو قطبی

-
1. Campbell
 2. Grotevant & Cooper
 3. Roe & Siegelman
 4. Authoritarian
 5. Authoritative
 6. Indulgent
 7. Responsiveness
 8. Demandingness
 9. Baumrind
 10. Baron & Byrne
 11. Klapp

است که در یک قطب آن «من» سازگار با محیط، که هویتی منسجم و یکپارچه ایجاد می‌کند، و در قطب دیگر آن هویت گم گشته قرار دارد. (شوارتز^۱، ۲۰۰۱).

مارسیا، از نوشته‌های اریکسون، دو بعد مستقل به نام‌های جستجوگری و تعهد را استنباط کرد (مارسیا، ۱۹۸۸، ۱۹۸۰). مارسیا با توجه به دو بعد تعهد و جستجوگری و کنار هم قرار دادن آنها، چهار وضعیت (حالت) هویتی مستقل را بیان کرد که آشفتگی هویت، هویت زود هنگام، هویت تعلیقی و هویت موفق را شامل می‌شود. (مارسیا ۱۹۶۶).

هویت موفق، نشان دهنده، تعهدی است که پس از دوره‌ای از جستجوگری به دست می‌آید. تعلیق هویتی، به معنای جستجوگری فعال همراه با تعهدی اندک است. (مئوس^۲، ۱۹۹۲، به نقل از شوارتز، ۲۰۰۱) افراد با هویت زود هنگام در حالی که جستجوگری اولیه را نداشته‌اند، به دسته‌ای از اهداف، ارزش‌ها و عقاید تعهد دارند. به طور کلی هویت زود هنگام با مقدراری تعصب، خودپسندی کوتاه‌نظرانه و انعطاف ناپذیری همراه است (مارسیا، ۱۹۸۰). آشفتگی هویت کم‌ترین حالت رشدی هویت است. این حالت نشان دهنده بی‌تفاوتی همراه با نبود جستجوگری و تعهد است (مارسیا، ۱۹۸۰).

پژوهش کنونی با هدف بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر شکل‌گیری هویت در نوجوانان و جوانان انجام شد.

به اعتقاد ماتوس^۳ و همکاران (۱۹۹۹، به نقل از قاسمی، ۱۳۸۲) روابط نزدیک با والدین با رشد بازنمایی‌هایی مرتبط است، که نوجوان را قادر می‌سازد تا در کشف جهان پیرامون به خود اعتماد کند و شرایطی مناسب برای نوجوان فراهم می‌کند تا راه‌های متفاوتی برای ارتباط با جهان جستجو کند (جستجوگری) و در نتیجه به یک احساس قوی از خود برسد (تعهد). بنابراین، هر دو بعد تعهد و جستجوگری تحت تأثیر کیفیت وابستگی به والدین هستند (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹). به نظر می‌رسد که ترکیبی از دلبستگی عاطفی به والدین و تشویق فردیت و استقلال در خانواده از عوامل تعیین‌کننده رشد هویت است (شالتسیس و بلاستین^۴، ۱۹۹۴) به طور کلی افراد با رشد هویتی سالم به احتمال زیاد از خانواده‌هایی با روابط گرم و صمیمی

-
1. Schwartz
 2. Meeus
 4. Matos
 4. Schulthesis & Blustein

هستند، اما روابط آنها تحمیلی نیست (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۶؛ پروسا، پروسا و تام^۱، ۱۹۹۶ به نقل از اشتاین برگ^۲، ۲۰۰۱).

فرزندپروری مستبدانه، معمولاً به هویت زود هنگام و سبک‌های سهل‌انگارانه یا آسان‌گیر به آشفتگی هویت منجر می‌شود (اشتاین برگ، ۱۹۹۶). به نظر می‌رسد توافق کلی تجربی و نظری وجود دارد درباره اینکه زمینه خانوادگی تأثیری مهم بر توانایی نوجوان در حل موفقیت‌آمیز تکالیف رشدی مهم، مانند رشد هویت تأثیری مهم دارد. (از جمله مارسیا، ۱۹۸۳؛ ۱۹۸۸؛ رایس^۳، ۱۹۹۰؛ بلاستین و شالتسیس، ۱۹۹۱).

تحقیقات نشان داده است که در جوامع جمع‌گرا، بیشتر احتمال دارد، که افراد تحت‌تأثیر اکثریت قرار گرفته و هم‌رنگی بیش‌تری از خود نشان دهند. در این جوامع افراد برای دست آوردن تأیید اعضای گروه نگران هستند و اگر نتوانند به آن دست یابند احساس خجالت و شرمساری می‌کنند. والدین در انتخاب دوستان، تحصیل، شغل، مکان زندگی، ازدواج و سایر مسائل مربوط به فرزندان خود درگیر و سهیم هستند. در این جوامع جوانان برای به دست آوردن هویت فردی تشویق نمی‌شوند. در عوض از آنها انتظار می‌رود که ادامه دهنده مسیری باشند که بزرگترها ارائه کرده‌اند (هو و تریاندیس^۴، ۱۹۸۶). نیکهات گیلانی^۵ (۲۰۰۵) در مقایسه میان نوجوانان دختر پاکستانی و بریتانیایی دریافت که فرایند رشد هویت در جنبه‌های مذهبی، رابطه با جنس مخالف و نقش جنسی بین پاکستانی‌ها و بریتانیایی‌ها بسیار متفاوت است. دختران پاکستانی شدیداً بر مذهب و سنت‌های فرهنگی تأکید داشتند و هویت جمعی را بر هویت فردی ترجیح می‌دادند و بیش‌تر آنها درباره ارتباط با جنس مخالف در حالت سردرگم بودند. (کیم^۶، ۱۹۹۹، به نقل از سامانی و لطیفیان، ۱۳۸۴) بیان می‌کند که جوامع آسیایی در مقایسه با جامعه آمریکا، بیشتر جمع‌گرا هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد که احتمالاً در ایران نیز، مثل سایر جوامع جمع‌گرا، روند شکل‌گیری هویت تا حدی متفاوت از کشورهای غربی است. بخصوص که در جوامعی مانند ایران، ارزش‌های مذهبی نیز اهمیت خاصی دارند.

-
1. Perosa & Tam
 2. Steinberg
 - 3-Rice
 4. Hui & Triandis
 5. Nighat Gilani
 6. Kim

(سامانی و لطیفیان، ۱۳۸۴).

سؤالات تحقیق:

- پژوهش حاضر برای یافتن پاسخ به این سؤالات انجام شد.
- ۱- آیا والدین با طبقات شغلی و تحصیلی مختلف فرزندان با ابعاد هویتی مختلف دارند؟
 - ۲- آیا ابعاد فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده ابعاد هویتی فرزندان آنهاست؟
 - ۳- آیا قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد فرزندپروری والدین درباره ابعاد هویتی در بین دختران و پسران متفاوت است؟

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی است، که آزمودنی‌های آن ۲۴۲ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز، (۱۳۴) دختر و (۱۰۸) پسر را شامل می‌شود. به منظور انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شد. شیوه نمونه‌گیری به این ترتیب بود که از بین دانشکده‌های مختلف سه دانشکده (علوم پایه، مهندسی و علوم انسانی) و از هر دانشکده سه کلاس به شیوه تصادفی انتخاب و به کلیه دانشجویان آنها پرسشنامه داده شد. میانگین سنی دختران و پسران به ترتیب برابر با ۲۰/۸۹ و ۲۱/۲۵ و انحراف معیار سنی دختران ۱/۹۳ و پسران ۲/۱۷ بود.

ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از دو مقیاس شیوه‌های فرزندپروری و مقیاس هویت (EIPQ)^۱ استفاده شد.

مقیاس شیوه‌های فرزندپروری یک مقیاس خودگزارشی است که مرکب از ۷۷ گویه است که هر کدام ۵ گزینه دارد. (۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) گویه‌های ۱ تا ۴۲ بعد کنترل و گویه‌های ۴۳ تا ۷۷ بعد محبت را می‌سنجند. برای مثال گویه «والدینم اگر تهدیدی کنند، آن را عمل می‌کنند» بعد کنترل و گویه «اغلب با قیافه بشاش با من رفتار می‌کنند» بعد محبت را

1. Ego Identity Process Questionnaire

می‌سنجد. این مقیاس را نقاشیان (۱۳۵۸) بر مبنای کار شیفر^۱ (۱۹۶۵) تهیه کرده است. بنا به گزارش نقاشیان، ضریب پایایی تنضیف این مقیاس ۰/۸۷ است. یعقوب‌خانی‌غیاثوند (۱۳۷۲) پایایی این مقیاس را از طریق ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی محاسبه کرد که برای بعد کنترل - آزادی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۴ برای بعد گرمی - سردی روابط به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۳ به دست آمده است. ضریب پایایی برای کل پرسش‌نامه به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۳ گزارش شده است. هم‌چنین نقاشیان، روایی محتوایی مقیاس را مطلوب گزارش کرده است. یعقوب‌خانی‌غیاثوند نیز با استفاده از روش تحلیل عوامل به وجود دو عامل کنترل و محبت تأیید کرد. در تحقیق حاضر ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای بعد آزادی - کنترل به میزان ۰/۷۸ و برای بعد گرمی - سردی به میزان ۰/۹۳ به دست آمده است. بررسی روایی مقیاس با روش تحلیل عوامل نیز تأییدکننده وجود دو عامل در مقیاس مذکور بود. شاخص KMO برای کل مقیاس برابر ۰/۸۲ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت نیز برابر ۹۵۲۲ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود. مقدار واریانس تبیین شده با عامل کنترل برابر با ۱۲/۹۲ و برای عامل محبت ۱۳/۴۷ به دست آمد.

مقیاس هویت (EIPQ) را در سال ۱۹۹۵، بالیستری^۲، و همکاران به نقل از سامانی ۱۳۸۴ تهیه کردند و پایایی آن را نسبتاً بالا و روایی آن را مناسب گزارش کردند. این پرسش‌نامه ۳۲ گویه دارد که دو بعد جستجوگری (۱۶ گویه) و تعهد (۱۶ گویه) را می‌سنجد. هر گویه ۵ گزینه دارد (۱ = «کاملاً مخالفم» تا ۵ = «کاملاً موافقم») که نمره‌ای از ۱ تا ۵ به آن تعلق می‌گیرد. برای مثال گویه «اصول و ارزش‌های زندگی من احتمالاً در آینده تغییر خواهد کرد» بعد جستجوگری و گویه «من تصمیم نهایی خود را درباره شغل آینده‌ام گرفته‌ام» بعد تعهد را می‌سنجد.

سامانی (۱۳۸۴) پایایی این مقیاس را با روش بازآزمایی معادل ۰/۸۲ و ضریب آلفای کرونباخ را برابر با ۰/۹۱ برای جامعه ایرانی گزارش کرده است. در تحقیق حاضر ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ به میزان ۰/۶۸ برای بعد تعهد و ۰/۵۸ برای بعد جستجوگری به دست آمد. روایی مقیاس نیز با استفاده از روش تحلیل عوامل محاسبه شد که تأیید کننده دو بعد

1. Schaefer
2. Balisteri

مذکور است. شاخص KMO برای کل مقیاس برابر ۰/۷۰ و مقدار حاصل از آزمون کرویت بارتلت نیز برابر ۱۶۵۴ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار بود. مقدار واریانس تبیین شده با عامل تعهد برابر با ۱۲/۰۱ و برای عامل جستجوگری ۱۰/۲۳ به دست آمد.

منظور از عوامل جمعیت‌شناختی میزان تحصیلات و پرستیژ اجتماعی شغل والدین است که در تحقیق خیر (۱۳۷۶) نحوه نمره‌دهی آن ارائه شده است. بر اساس این ملاک، انواع مشاغل در ۹ طبقه و میزان تحصیلات در ۵ طبقه دسته‌بندی می‌شوند.

ارائه نتایج

با توجه به هدف اصلی پژوهش از شیوه آماری رگرسیون چندگانه برای تعیین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد هویتی از طریق ابعاد فرزندپروری والدین استفاده شد. جدول ۱ ماتریس همبستگی بین این ابعاد را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین ابعاد مختلف شیوه فرزندپروری و ابعاد هویت

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- تعهد	۱			
۲- جستجوگری	-۰/۱	۱		
۳- آزادی-کنترل	۰	۰/۰۳	۱	
۴- گرمی-سردی	۰/۲۲**	۰/۰۲	-۰/۰۲	۱

** $p < 0/001$

چنان‌که از جدول ۱ برمی‌آید همبستگی مثبت و معناداری بین گرمی-سردی و تعهد وجود دارد ($P < 0/001$) که نشان دهنده این مطلب است که هر چه میزان محبت خانوادگی بیشتر باشد تعهد افراد بیش‌تر است. همبستگی بین سایر ابعاد معنی‌دار نیست. به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش از شیوه‌های آماری زیر استفاده شد:

سؤال یک: آیا والدین با طبقات شغلی و تحصیلی مختلف فرزندان با ابعاد هویتی

مختلف دارند؟

تحلیل واریانس یک‌طرفه (جدول ۲) نشان داد که تنها عامل شغل مادر تأثیر معناداری بر بعد تعهد فرزندان دارد ($F = ۲/۶۳, P < ۰/۰۱$). سایر تحلیل‌ها معنی‌دار نبودند.

با توجه به اینکه بعضی از گروه‌های شغلی مادران در این بررسی فراوانی نداشتند و یا فراوانی کمی داشتند تنها درباره سه گروه شغلی که فراوانی بالاتری داشتند (خانه دار، کارمند دولت، فرهنگی) تحلیل واریانس و سپس آزمون تعقیبی شفه انجام شد که نتایج آن در جداول ۲ و ۳ دیده می‌شود.

جدول ۲- تحلیل واریانس میانگین نمرات آزمودنی‌ها در بعد تعهد در مورد سه گروه شغلی مادران

سطح معنی‌داری	F	میانگین مربعات		مجموع مربعات	نوع عامل	
		درجه آزادی	میانگین مربعات		بین گروه‌ها	شغل مادر
۰/۰۱	۰/۰۴۲	۱۶۰/۱۲	۲	۳۲۰/۲۴	بین گروه‌ها	شغل مادر
		۳۹/۶۱	۲۱۶	۸۵۵۷/۱۰	درون گروه‌ها	

جدول ۳- آزمون تعقیبی شفه جهت بررسی تفاوت میانگین نمرات در بعد تعهد در سه گروه شغلی مادران

سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین‌ها	مقایسه کد گروه‌های شغلی بر اساس میانگین‌ها
۰/۰۱	۶/۴۶	$۴ < ۱$
۰/۰۴	۵/۹۱	$۴ < ۶$

(۱=خانه دار، ۴=کارمند دولت، ۶=شاغل در آموزش و پرورش)

مشاهده می‌شود که فرزندان مادران غیر شاغل در مقایسه با مادران کارمند دولت تعهد بیشتری دارند. همچنین فرزندان مادران شاغل در آموزش و پرورش در مقایسه با مادران کارمند تعهد بیشتری دارند.

سؤال دو: آیا ابعاد فرزندپروری والدین پیش‌بینی‌کننده ابعاد هویتی فرزندان آنها

می‌باشد؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش از تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه با کنترل عامل شغل مادر استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج نشان داد که شغل مادر به تنهایی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای بعد تعهد در کل گروه بررسی شده ندارد. متغیر آزادی- کنترل نیز قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای بعد تعهد ندارد، و تنها عامل گرمی- سردی روابط خانوادگی قدرت پیش‌بینی بعد تعهد در کل گروه را داشته است.

جدول ۴ - تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر تعهد با کنترل عامل شغل مادر در کل

گروه مورد پژوهش

سطح معناداری	β	b	R^2	R	متغیر مستقل	مدل
۰/۱۴	-۰/۰۹	-۰/۲۸	۰/۰۱	۰/۰۹	شغل مادر	۱
۰/۱۰	-۰/۱۰	-۰/۳۱			شغل مادر	۲
۰/۹۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۷	۰/۲۶	آزادی-کنترل	
۰/۰۰۱	۰/۲۴	۰/۰۹			گرمی-سردی	

راجع به بعد جستجوگری، نتایج معناداری درباره هیچ یک از ابعاد آزادی-کنترل و گرمی-سردی به دست نیامد. به این معنا که هیچ‌کدام از دو بعد محیط خانوادگی قدرت پیش‌بینی بعد جستجوگری را نداشتند. جدول ۵ این مطلب را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که چون شغل مادر تأثیری معنادار بر جستجوگری نداشت، وارد تحلیل رگرسیون نشد.

جدول ۵- تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر جستجوگری در کل گروه مورد پژوهش

سطح معناداری	β	B	R^2	R	متغیر مستقل
۰/۶۲	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۳	آزادی-کنترل
۰/۷۲	۰/۰۲	/۰۰۷			گرمی-سردی

سؤال سه: آیا قدرت پیش‌بینی کنندگی ابعاد فرزند پروی والدین درباره ابعاد هویتی در میان دختران و پسران متفاوت است؟

از آنجاکه تحلیل واریانس یک‌طرفه (جدول ۲) نشان داد که عامل شغل مادر تأثیر مثبت و معناداری بر بعد تعهد دارد بنابراین، درباره دختران و پسران به صورت جداگانه این عامل به عنوان متغیر کنترل‌کننده وارد تحلیل رگرسیون شد. دو متغیر شغل مادر و آزادی-کنترل به تنهایی قدرت پیش‌بینی کنندگی معناداری برای بعد تعهد در دختران نداشتند و تنها عامل گرمی-سردی با سطح معنی‌داری $P < 0/01$ قدرت پیش‌بینی کنندگی مثبت و معناداری برای بعد تعهد در دختران داشته است (جدول ۶).

هم‌چنین نشان داده شد که با کنترل عامل شغل مادر، بعد گرمی - سردی خانواده، قدرت پیش‌بینی کنندگی معناداری ($P < 0/003$) برای بعد تعهد در پسران داشته است (جدول ۷).

جدول ۶- تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر تعهد در دختران با کنترل عامل شغل مادر

مدل	متغیر مستقل	R	R ²	b	β	سطح معناداری
۱	شغل مادر	0/05	0/003	-0/17	-0/05	0/15
۲	شغل مادر	0/21	0/04	-0/18	-0/06	0/48
	آزادی-کنترل			0/01	0/02	0/78
	گرمی-سردی			0/07	0/21	0/01

جدول ۷- تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر تعهد در پسران با کنترل عامل شغل مادر

مدل	متغیر مستقل	R	R ²	b	β	سطح معناداری
۱	شغل مادر	0/14	0/02	-0/40	-0/14	0/15
۲	شغل مادر	0/33	0/11	0/44	-0/15	0/10
	آزادی-کنترل			-0/01	-0/03	0/76
	گرمی-سردی			0/11	0/30	0/003

هیچ کدام از متغیرهای مستقل، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای بعد جستجوگری در دختران و پسران نداشتند.

جدول ۸- تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر بعد جستجوگری در دختران

متغیر مستقل	R	R ²	B	β	سطح معناداری
آزادی-کنترل	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۴۰
گرمی-سردی			-۰/۰۱	-۰/۰۶۰	۰/۴۹

جدول ۹- تحلیل رگرسیون چندگانه ابعاد محیط خانوادگی بر بعد جستجوگری در پسران

متغیر مستقل	R	R ²	B	β	سطح معناداری
آزادی-کنترل	۰/۱۳	۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۳	۰/۶۸
گرمی-سردی			۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۱۸

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که از بین ابعاد فرزندپروری والدین تنها بعد گرمی - سردی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت، معنادار و بالا برای بعد تعهد در کل گروه دارد. این یافته با مطالعات گروتوانت و کوپر (۱۹۸۸) و (۱۹۸۵)، اشتاین برگ و موریس^۱ (۲۰۰۰)، اشتاین برگ (۲۰۰۱)، شالتسیس و بلاستین (۱۹۹۴)، لومئو^۲ (۱۹۹۹)، کول^۳ (۱۹۹۳)، ماتوس (۱۹۹۹)، مارسیا (۱۹۹۴)، رایس (۱۹۹۰)، رایس و لپسلی^۴ (۱۹۹۰)، بلاستین و دیگران (۱۹۹۱) هم‌سو است. اما این بعد قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای بعد جستجوگری نداشت.

تحقیقات انجام شده نشان دهنده تأثیر بعد محبت (گرمی - سردی) بر رشد ابعاد مختلف از جمله رشد هویت در نوجوانان و جوانان است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که روابط نزدیک و صمیمی با والدین موجب می‌شود که نوجوان در کشف جهان پیرامون، به خود اعتماد کند و

-
1. Morris
 2. Lomeo
 3. Cole
 4. Lapsley

راه‌های متفاوتی را برای ارتباط با جهان جستجو کند (جستجوگری) و در نتیجه به یکی از این راه‌ها پای‌بند شود (تعهد). بنابراین، هردو بعد تعهد و جستجوگری تحت تأثیر چگونگی روابط با والدین است (ماتوس و همکاران، ۱۹۹۹، به نقل از قاسمی، ۱۳۸۲) هم‌چنین نزدیکی عاطفی فرایند رشد هویت را تسهیل می‌کند (کروگر، ۱۹۸۵؛ آدامز، ۱۹۸۵، به نقل از ویلمسن و واترمن، ۱۹۹۱).

افرادی با رشد هویتی سالم بیش‌تر احتمال دارد که از خانواده‌هایی با روابط گرم و صمیمی هستند (گرو توانت و کوپر، ۱۹۸۶، پروسا، پروساو تام، ۱۹۹۶، به نقل از اشتاین برگ، ۲۰۰۱). هویت‌های زود هنگام و پراکندگی هویت در خانواده‌های طلاق گرفته بیش‌تر از خانواده‌های معمولی هستند (آیمی‌مبو، ۱۹۸۷، به نقل از ویلمسن و واترمن، ۱۹۹۱). معمولاً نداشتن روابط گرم و صمیمی با والدین مشکلاتی در تعهدپذیری را موجب می‌شود، اما تشویق نکردن والدین به استقلال و فردیت، همراه با مشکلاتی در درگیر شدن در جستجوگری گسترده است (کمپل، آدامز و دابسون، ۱۹۸۴).

در بررسی حاضر متغیر گرمی - سردی روابط، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای بعد تعهد داشت که این نتیجه مطابق با انتظار بود، اما درباره بعد جستجوگری این پیش‌بینی معنادار نبود. شاید علت این است که مفهوم هویت و ابعاد آن همانند سایر مفاهیم شناختی - اجتماعی نسبت به فرهنگ حساسیت زیادی دارد. مفهوم هویت در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است. اکثر پژوهش‌های انجام شده محدود به فرهنگ غرب است. شاید مفهوم جستجوگری و یا مفاهیم کنترل و محبت در فرهنگ ما که فرهنگی جمع‌گرا است (سامانی و لطیفیان، ۱۳۸۴) با فرهنگ فرد گرایی غرب متفاوت باشد، یعنی افراد آن را به گونه‌ای دیگر درک می‌کنند. در فرهنگ‌های غیر غربی، فرد در درون شبکه‌ای از روابط و ارتباطات اجتماعی از خانواده گرفته تا گروه همسالان و نهادهای مذهبی، گروه‌های حرفه‌ای و غیره قرار دارد. بنابراین، جستجوگری در این جوامع به شکل گسترده‌تری انجام می‌شود و نوجوان می‌تواند از انواع گروه‌ها و اطرافیان برای جستجوگری سود ببرد. در واقع باید گفت که برای فهم کامل هویت باید به چارچوب‌های فرهنگی توجه کرد. هیچ آزمون شخصیتی «نابسته به فرهنگ» نیست بنا به گفته تریان‌دیس «خود»، سمبل شخصیت، در فرهنگ شرق متفاوت از فرهنگ غرب است (تریان‌دیس، ۱۹۸۸، به نقل از البرزی، ۱۳۸۰).

هم چنین نتایج این بررسی نشان داد که از نظر پیش بینی ابعاد هویتی از طریق ابعاد فرزندپروری میان دو جنس تفاوتی وجود ندارد به این معنا که در هر دو جنس بعد گرمی - سردی پیش بینی کننده معنادار بعد تعهد بود.

در باره تفاوت جنسیتی نشان داده شده است که دلبستگی والدین در فرایند شکل‌گیری هویت برای زنان در مقایسه با مردان نقشی مهم تر ایفا می‌کند (شالتسیس و بلاستین، ۱۹۹۴؛ بلاستین، ۱۹۹۱؛ جوسل سون، ۱۹۸۷). تفاوت در نحوه هویت‌یابی زنان و مردان از الگوهای متفاوت اجتماعی شدن برای زنان و مردان در فرهنگ اکثر جوامع ناشی است. به دست آوردن هویت از طریق عبور از مرحله تعارض و بحران انجام می‌شود و تعارض برای زنان دشواری بیش تری ایجاد می‌کند زیرا جامعه، داشتن تعارض برای مردان را بیش از زنان تأیید می‌کند (گلدنبر، ۱۹۸۶) و زنان بیم دارند که مبادا حالت بحرانی آنها با اعتراض دیگران مواجه شود (گیلیگان، ۱۹۸۲).

به این ترتیب نتیجه به دست آمده با نتایج ذکر شده مغایر است، که دلبستگی در فرایند شکل‌گیری هویت برای زنان در مقایسه با مردان نقش مهم تری ایفا می‌کند (شالتسیس و بلاستین، ۱۹۹۴).

شاید علت این مغایرت را بتوان از این مسأله ناشی دانست که هر چند به ظاهر روابط صمیمی و دلبستگی بین اعضای خانواده از نظر مردان اهمیت کمتری دارد، اما در واقع این مسأله نقش مهمی در شکل‌گیری هویت آنها ایفا می‌کند. شاید هم در گذشته مردان از اظهار این مسأله که صمیمیت و دلبستگی برای آنها امر مهمی است اجتناب می‌کردند، اما امروزه با توجه به کمتر شدن تفاوت‌های جنسی مردان از ابراز این مسأله ابایی ندارند.

یک دلیل دیگر احساسی است که مردان در قبال خانواده و به ویژه مادران خود احساس می‌کنند که این نقش هم در خانواده و هم در جامعه تأیید و تشویق می‌شود. بنابراین، مردان بیش تر خود را به خانواده متعهد می‌دانند و این مسأله با گرمی خانواده رابطه مثبت می‌یابد زیرا هم در خانواده و هم در جامعه چنین انتظاری است.

منابع

- البرزی، محبوبه، (۱۳۸۰). بررسی تحولی رشد خود در دوران نوجوانی و جوانی بر اساس تئوری لوینگر، پایان نامه دانشگاه شیراز.
- انصاری، زهرا و نسرین اسکویی، (۱۳۸۰). هویت، تهران، ایتا.
- خیر، محمد، (۱۳۷۶). بررسی رابطه برخی از شاخص‌های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره دوازدهم، شماره دوم، صص ۷۷-۱۱۳.
- دهقانی، عبدالله، (۱۳۷۹). مقایسه بین شیوه‌های فرزند پروری و خودتنظیمی تحصیلی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی در درسهای فارسی و ریاضی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه، پایان نامه دانشگاه شیراز.
- سامانی، سیامک و لطیفیان، مرتضی، (۱۳۸۴). بررسی رابطه خود-مهارى، جمع‌گرایی و ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و دوم، شماره چهارم، صص ۳۳-۴۷.
- قاسمی، مریم، عارفی، مژگان، شیخ‌الاسلامی، راضیه، (۱۳۸۲). بررسی رابطه هویت و ارزش‌ها در جوانان، *ویژه نامه مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی*، صص ۲۴۵-۲۶۳.
- نقاشیان، ذبیح‌الله، (۱۳۵۸). *رابطه محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی*، پایان نامه دانشگاه شیراز.
- یعقوب‌خانی غیاثوند، مرضیه، (۱۳۷۲). *رابطه محیط خانواده و پیشرفت تحصیلی*. پایان نامه دانشگاه شیراز.

- Archer, S. L, (1992). *A feminist's approach to identity research*. In G.R.
- Blasi, A, & Gloodis, K, (1995). The development of identity: A critical analysis from the perspective of the self as subject, *Developmental Review*, 15, 404-433.
- Blustein, D.L, & Schulthesis, D.P, (1991). self and identity in late adolescence: A theoretical and empirical integration, *Journal of Adolescent Research*, 6, 437-453.
- Campbell, E, Adams, G.R, & Dobson, W.R, (1984). familial Correlates of identity formation in late adolescence: A study of the predictive utility of connectedness and individuality in family relations, *Journal of Youth and Adolescence*, 13, 481-509.
- Cole, M, & Sheila, R, (1993). *The development of children*, 404-405.
- Erikson, E. H, (1980). *Identity and life cycle*. New york, Norton.
- Gilani, (2005). Identity development of teenage girls: A Cross-Ethnic perspective, *Pakistan Journal of Psychological Research*, 20(1/2), 1-14.
- Gilligan, C, (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*, Cambridge MA: Harvard university press.
- Goldhaber, D, (1986). *Life- Span human development*, Harcourt Brace Jovanovich, New york.
- Grotevant, H.D, & Cooper, C.R, (1985). patterns of interaction in family relationships and the development of identity exploration, *Child Development*, 56, 415-420.
- Grotevant, H.D & Cooper, C.R, (1986). Individuation in family relationships: A perspective on individual differences in the development of identity and role-taking skill in adolescence, *Human Development*, 29, 82-100.
- Grotevant, H.D, & Cooper, C.R, (1988). The role of family experience in career exploration: A life – span perspective In P. Baltes, R. H. Lerner, & D. Featherman(Eds.), *life- span development and behavior* (vol. 8, PP. 231-258), Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Hui, C. H., & Triandis, H. C, (1986). Individualism-Collectivism: A study of cross-cultural research, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 77, 222-248.
- Josselson, R, (1987). *Finding herself: pathways to identity development in women*, San francisco, CA: Jossey- Bass.
- Klapp, O, (1969). *Collective search for identity*. Holt, Reinehart and Winston, Inc.

- Kroger, J, (1985). Separation – individuation and ego identity status in newzeland university students, *Journal of Youth and Adolescence*, 14,133-147.
- Lomeo, C. M. (1999). Identity development: the links between coping style, sibling relationships, and parenting style, *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, 59, 3737.
- Marcia, J. E, (1966). Development and validation of ego- identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J.E, (1980), *Identity in adolescence*, In: handbook of adolescent psychology, Adelson J. (Eds.), New york, wiley.
- Marcia, J. E, (1983). Some directions for the investigation of ego development in early adolescence, *Journal of Early Adolescence*, 3,215-223.
- Marcia, J. E, (1988). Common Process underlying ego identity, cognitive /moral development, and individuation, In D.K. lapsley & F. C. Power (Eds.), *Self, ego, and identity: Integrative approaches*, PP.211-225, New york, Springer – Verlag.
- Marcia, J. E, (1994). The empirical study of ego identity, In H. A. Bosma, T. G. Graafsma, H.D. Grotevant & D. J. de levita (Eds.), *Identity and development: An interdisciplinary approach*, PP. 67-80, Thousand oaks, Sage
- Markstrom – Adams, C, (1992). A consideration of intervening factors in adolescent identity formation. In G. R. Adams, T.P. Gullotta, & R. Montemayor (Eds.), *Adolescent identity formation (advances in adolescent development, vol.4)* New bury park, CA: Sage.
- Rice, K, (1990). attachment in adolescence: A narrative and meta-analytic review, *Journal of Youth and Adolescence*, 19,511-538.
- Rice, K, Cole, D. A, & Lapsley, D. K, (1990). separation – individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and test of a theoretical model, *Journal of Counseling Psychology*, 37, 195-202.
- Roe, A., & Siegelman, M, (1963). A Parent – Child Relations Questionnaire, *Child development*, 20, 355-369.
- Schaefer, E. S, (1965). childre’s reports of parental behavior: An inventory, *Child development*, 36, 413-424.
- Schulthesis, D.P, & Blustein, D.L, (1994), Contributions of family relationships factors to the identity formation process, *Journal of Counseling and Development*, 73, 159-166.
- Schwartz, S.J, (2001). The evolution of Eriksonian and neo- Eriksonian identity theory and research: A review and integration, *Identity*, 1, 7-58.

- Sigelman, C. K, (1999). *Life – span human development (3th ed)*, Washington, Brooks / Cole publishing company.
- Steinberg, L. D, (1996). *Adolescence (4th ed)*. New york, Mc Graw- Hill.
- Steinberg, L, (2001), *Adolescence (5th ed.)*, New york, Mc Graw-Hill.
- Steinberg, L. & Morris, A. S, (2000). Adolescent development, *Annual Review of Psychology*, 52, 83-110.
- Stephen, J,, Fraser, E,, & Marcia, J. E, (1992). Moratorium and achievement (Mama) cycles in lifespan identity development: value orientations and reasoning system correlates, *Journal of Adolescence*, 15, 283-300.
- Waterman, A.S, (1982). Identity development from adolescence to adulthood: and extension of theory and review of research, *Developmental Psychology*, 18, 315-358.
- Willemsen, E.W & Vatterman, K. K, (1991). ego identity status and family environment: A correlational study, *Psychological Reports*, 69, 1203-1212.